



دانشگاه پیام نور تهران

پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل

موضوع:

# تحریم‌های اقتصادی از دیدگاه حقوق بین المللی بشر

استاد راهنما:

دکتر سید باقر میرعباسی

استاد مشاور:

دکتر بهرام مستقیمي

نگارش:

بهروز اسدي

اسفندماه ۱۳۸۹

۱	مقدمه
۴	<b>بخش اول: مرزهای حقوقی تحریم‌های ملل متحد</b>
۵	طرح موضوع
۷	الف) انگیزه کشورهای تحریم‌کننده
۸	ب) تحریم‌ها پس از جنگ سرد
۱۲	ج) نظریه سنتی تحریم‌ها
۱۷	<b>فصل اول: شورای امنیت، صلاحیت محدود یا نامحدود</b>
۲۳	<b>مبحث اول: مرزهای اقدام شورای امنیت از طریق اصول عمومی حقوقی</b>
۲۴	گفتار اول: اصل انسانیت
۲۵	گفتار دوم: اصل ضرورت
۲۶	گفتار سوم: اصل تناسب
۲۷	<b>مبحث دوم: محدودیت‌های شورای امنیت بر اساس قواعد آمره</b>
۲۹	<b>مبحث سوم: مرزهای حقوقی شورای امنیت در منشور ملل متحد</b>
۳۹	<b>فصل دوم: شورای امنیت، اخلاق، حقوق بشر و بشر دوستانه</b>
۳۹	<b>مبحث اول: تحریم‌های اقتصادی فراگیر شورای امنیت از دیدگاه اخلاق</b>
۴۲	<b>مبحث دوم: محدودیت صلاحیت شورای امنیت بر اساس قواعد حقوق بشر</b>
۴۵	گفتار اول: تصریحات ویژه حقوق بشری منشور ملل متحد
	گفتار دوم: محدودیت‌های صلاحیت شورای امنیت
۵۰	بر اساس قواعد عرفی حقوق بشر
۵۱	<b>مبحث سوم: آیا تحریم‌ها در حمایت از حقوق بشر مؤثر است؟</b>
۵۵	<b>مبحث چهارم: الزام شورای امنیت به رعایت حقوق بشر دوستانه بین‌المللی</b>

۵۹	<b>بخش دوم: مفهوم کرامت انسانی و تحریم‌های اقتصادی</b>
۶۰	کلیات: کرامت ذاتی فرد انسانی
	<b>فصل اول: حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی،</b>
۶۵	<b>اجتماعی و فرهنگی و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی</b>
۶۵	<b>مبحث اول: حق حیات</b>
۷۳	<b>مبحث دوم: حق سلامت</b>
۷۶	<b>گفتار اول: وضعیت تجهیزات بهداشتی و داروها</b>
۷۸	<b>گفتار دوم: وضعیت خدمات بهداشتی</b>
۷۹	<b>گفتار سوم: بیماری‌های عفونی</b>
۷۹	الف) بیماری‌های اسهالی
۸۰	ب) بیماری‌های قابل پیشگیری با واکسن
۸۱	<b>گفتار چهارم: محیط زندگی و کار ایمن</b>
۸۲	<b>مبحث سوم: حق غذا</b>
۸۴	<b>گفتار اول: فقر غذایی و سوء تغذیه</b>
۸۸	<b>گفتار دوم: قیمت مواد غذایی</b>
۹۱	<b>مبحث چهارم: حق کار</b>
۹۶	<b>مبحث پنجم: حق آموزش</b>
۱۰۱	<b>مبحث ششم: تأثیر تحریم‌ها بر سطح زندگی مردم</b>
۱۰۵	<b>فصل دوم: حقوق جمعی</b>
۱۰۵	<b>مبحث اول: حق توسعه</b>
۱۰۷	<b>گفتار اول: اثرات کلی تحریم‌ها روی اقتصاد</b>
۱۰۹	<b>گفتار دوم: تأثیر تحریم‌ها بر کشاورزی</b>

- ۱۱۱ گفتار سوم: تأثیر تحریم‌ها بر بخش انرژی
- ۱۱۲ گفتار چهارم: تأثیر تحریم‌ها بر بخش ارتباطات
- ۱۱۳ گفتار پنجم: تأثیر تحریم‌ها بر بخش آب و فاضلاب
- ۱۱۶ مبحث دوم: حق خودمختاری
- ۱۲۶ فصل سوم: تحریم‌ها و حقوق بشر دوستانه بین المللی
- ۱۳۰ بخش سوم: شیوه‌های جبران خسارت در سیستم ملل متحد
- ۱۳۱ فصل اول: چاره‌ای برای قربانیان تحریم‌های ملل متحد
- ۱۳۱ مبحث اول: حقوق بشر و اضطرار کشور
- ۱۳۳ گفتار اول: دیوان بین المللی دادگستری
- ۱۳۴ گفتار دوم: دادگاه‌های ملی
- ۱۳۴ گفتار سوم: حکمیت
- ۱۳۴ گفتار چهارم: سازمان‌های حقوق بشری
- ۱۳۸ مبحث دوم: تحریم‌های هوشمند اجتماعی از پایین به بالا
- ۱۳۹ گفتار اول: فرآیند اینترلاکن
- ۱۴۰ گفتار دوم: فرآیند بن - برلین
- ۱۴۱ گفتار سوم: فرآیند استکهلم
- ۱۴۳ فصل دوم: تحریم‌های هوشمند، یک سیاست دوگانه، استثنائات بشر دوستانه
- ۱۴۸ مبحث اول: هدفدار کردن استراتژیک
- ۱۵۰ مبحث دوم: ارزیابی مقدماتی
- ۱۵۰ مبحث سوم: استثنائات بشر دوستانه
- ۱۵۳ مبحث چهارم: اثربخشی تحریم‌های هوشمند
- ۱۵۶ مبحث پنجم: انواع تحریم‌های هوشمند

---

۱۵۸	گفتار اول: تحریم‌های مالی هدفدار
۱۶۱	گفتار دوم: امبارگوهای نظامی
۱۶۳	گفتار سوم: تحریم‌های مسافرتی و حمل و نقل
۱۶۴	گفتار چهارم: تحریم‌های تجاری هدفدار
۱۶۵	گفتار پنجم: تحریم‌های فرهنگی
۱۶۷	نتیجه
۱۷۳	کتابنامه

جهان امروز متأثر از اوضاع و احوال اقتصادی، جغرافیایی، اجتماعی می باشد و هیأت آن به گونه‌ای شکل گرفته که ادامه حیات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یک کشور را بدون وجود رابطه با کشورهای دیگر، تقریباً غیر ممکن می‌نماید.

این وابستگی متقابل در عرصه های مذکور به اندازه‌ای چشمگیر و قابل توجه است که به صراحت می‌توان گفت بدون وجود آن زیست بین‌المللی در معرض انحلال قرار خواهد گرفت. نقطه اوج این وابستگی در نیازهای متقابل اقتصادی میان کشورها و بالتبع اتباع آن‌ها نهفته است. اقتصاد در حیات امروز جامعه بین‌المللی به عنوان عامل اساسی، حیاتی و بنیادین ایفاء نقش می‌کند.

توجه این واقعیت انکارنشده‌ی بسی سهل و منطقی است، بدین توضیح که در حال حاضر هیچ کشوری را در جهان نمی‌توان یافت که از کلیه منابع اقتصادی اعم از سرمایه، نیروی کار و وسایل به طور کلی برخوردار باشد و بدین وسیله بتواند همه حوائج اقتصادی خویش را یک تنه مرتفع نماید. به علاوه با پایان عصر انزوای کشورهای در دوران معاصر از یک سو، و طرح نظم نوین جهانی از سوی دیگر نقش اقتصاد در زندگی بشر بیش از پیش جلوه گر گردیده است. در نظم قدیم و دوران جنگ سرد بافت و ماهیت ائتلاف در سیاست بین‌المللی حول و حوش مبلنی سیاسی و ایدئولوژیک دور می‌زد. اما هم‌اکنون ائتلاف کشورهای حول محور تجارت، سهم بازار، تقسیم کار و عموماً روابط اقتصادی اروپا، اکو، نفتا، آسه آن و غیره دور می‌زند. به عبارت دیگر منطقه‌گرایی اقتصادی در جهان کنونی مبلنی ائتلاف در سیاست بین‌الملل شده است. از همه مهم‌تر پدیداری سازمانی جهانشمول در عرصه تجارت با عضویت اکثریت کشورهای جهان تحت عنوان سازمان تجارت جهانی نیز نمایانگر اهمیت اقتصاد و تجارت در عرصه روابط بین‌المللی می‌باشد.

به نظر می‌رسد اهمیت عامل اقتصاد در روابط بین‌الملل و نیز بیزاری عمومی از جنگ به ویژه پس از جنگ جهانی دوم جامعه بین‌المللی را به استفاده بیش از پیش از ابزار تحریم اقتصادی به عنوان ضرورتی سیاسی و ابزاری مؤثر به جای جنگ، در قالب ماده ۴۱ منشور ملل متحد، سوق داد. اما در این تغییر و تحول تاریخی این سؤال اساسی که آیا استفاده از ابزار اقتصادی، به عنوان ضرورتی سیاسی، می‌تواند انسانی نیز باشد مورد غفلت قرار گرفت. به عبارتی دیگر ظاهراً جامعه بین‌المللی ملاحظات حقوق بشر و بشر دوستانه بین‌المللی را در تحمیل تحریم‌ها نادیده گرفت.

از این رو ما در این نوشته برآنیم تا بررسی نفائیم که آیا تحریم های اقتصادی فراگیر شورای امنیت با حقوق بشر و بشردوستانه بین المللی سازگاری دارد؟ آیا شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان مرجع صلاحیتدار وضع تحریم های چندجانبه می تواند به اتکای اختیارات خویش حقوق بنیادین بشر را نادیده بگیرد؟ به عبارت دی گر آیا می تواند حقوق بشر را قربانی حفظ و تحکیم صلح و امنیت بین المللی کند؟ آیا ملت ها باید تاوان نقض حقوق بین الملل از سوی دولت های خود را پس دهند؟ چنانچه تحریم های فراگیر ملل متحد حقوق بشر را نقض نمایند، آیا می توان در مورد دولت هایی که در سرزمین خود حقوق بشر را به طور فاحش نقض می نمایند از تحریم اقتصادی استفاده نمود؟ و بالاخره آنکه آیا شورای امنیت سازمان ملل متحد در مقابل مردمی که خواسته یا ناخواسته در اثر اقدامات تحریمی فراگیر آن آسیب می بینند مسئول نیست؟ و آیا راهکارهایی وجود دارد که بتوان با استفاده از آن این آسیب ها را به حداقل رساند؟

این پایان نامه به سه بخش تقسیم شده است. ابتدا به طور کلی به بررسی پدیده تحریم اقتصادی پرداخته و سپس به این پرسش می پردازیم که آیا می توان برای اقدامات مسالمت آمیز شورای امنیت تحت ماده ۴۱ منشور (تحریم اقتصادی) مرزهای حقوقی تصور نمود و اگر آری این مرزها کدامست؟ در بخش دوم با استفاده از شواهد و نمونه های تاریخی بررسی می نمایم که آیا تحریم های فراگیر شورای امنیت حقوق بشر و بشردوستانه بین المللی را نقض می نماید و در بخش سوم به بررسی این مسأله می پردازیم که چنانچه در اثر تحریم های ملل متحد آسیب هایی متوجه جمعیت غیر نظامی گردیده و حقوق بشر و بشردوستانه بین المللی نقض گردد چه راهکارهایی برای جبران خسارت قربانیان این تحریم ها می توان یافت و بدیهی است که در این راهکار بایستی هم نگرانی های حقوق بشر و بشردوستانه بین المللی مورد توجه قرار گیرد و هم نیاز جامعه بین المللی به استفاده از تحریم، به عنوان ابزاری انعطاف پذیر در سیاست بین المللی که با استفاده از آن بتوان به بحران های بین المللی به نحو مناسب واکنش نشان داد، مورد ملاحظه قرار گیرد. لازم به ذکر است که هر چند در کشور ما پاره ای از پژوهش ها همچون پایان نامه کارشناسی ارشد آقای علی آذروار از دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۰ و همچنین پژوهش آقای مصطفی زهرانی در کتاب مجموعه مقالات وزارت امور خارجه و کتاب آقای ناصر قربانیان تحت عنوان تحریم ها و حقوق بشردوستانه بین المللی بر ضرورت انطباق تحریم های فوایگیر شورای امنیت بر حقوق بشردوستانه بین المللی تأکید نموده اند اما به نظر نگارنده از آنجا که قواعد حقوق بشردوستانه بین المللی بیشتر ناظر بر زمان جنگ است و استفاده از آن مستلزم تصور

تحریم‌های اقتصادی به مثابه جنگ می باشد کاربرد آن در مورد اقدامات غیر نظامی ملل متحد در بسیاری از موارد ناکافی و احتمالاً نامناسب می باشد. از این رو بهتر است تحریم‌های فراگیر از دیدگاه قواعد بین‌المللی حقوق بشر مورد ارزیابی قرار گیرند که در کشور ما در این باره همانند بسیاری از دیگر موضوع‌های حقوق بین‌الملل به تفصیل بحث و بررسی نشده است. لازم به ذکر است که هر چند هدف نگارنده بررسی تحریم‌های فراگیر شورای امنیت از دیدگاه حقوق بشر می باشد ولی با توجه به رابطه نزدیکی که میان حقوق بشر و بشردوستانه بین‌المللی وجود دارد در مواردی تحریم‌ها ناگزیر از دیدگاه حقوق بشردوستانه نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

یادآور می‌گردد نوع تحقیق حاضر توصیفی و تحلیلی بوده و اطلاعات و داده‌ها از طریق کتابخانه‌ای و با استفاده از سایت‌های معتبر اینترنتی جمع‌آوری گردیده است. امید که این مختصر با تمام کمبودها و کاستی‌ها مقبول افتد.



**بخش اول**

**مرزهای حقوقی تحریم‌های ملل متحد**

## طرح موضوع

«قلمرو سیاست بین المللی فاقد یک قدرت مرکزی است . و بنابراین قاعده خود یاری بر آن حاکم است. در نتیجه اجرا حقوق بین الملل یک وظیفه است که بر عهده خود کشورها قرار دارد. چنین وضعیتی اغلب مستلزم استفاده از نیروی نظامی یا به طور فزاینده استفاده از تحریم اقتصادی است.<sup>۱</sup>»

تحریم‌های اقتصادی مدت ها قبل از جنگ جهانی اول در زرادخانه دیپلماتیک وارد شده بودند، در حقیقت این شیوه در یونان باستان مورد استفاده قرار گرفته بود.

مشهورترین نمونه‌ای که در خصوص تحریم اقتصادی در یونان قابل ذکر است حکم پرسل در سال ۴۳۲ قبل از میلاد است . این حکم ورود محصولات از مگارا به بازار یونان را به خاطر تجاوزات سرزمینی این دولت شهر، و نیز تجاوز ناموسی به سه زن شهروند آتنی ممنوع کرده است.

قبل از هر چیز لازم است تعریفی از تحریم ارائه شود و از آنجا که مراد از تحریم در این نوشتار، تحریم‌های چند جانبه‌ای است که غالباً توسط شورای امنیت صورت می گیرد. تعریف ذیل از تحریم اقتصادی مورد استفاده قرار خواهد گرفت:

«محدود سازی هماهنگ مبادلات تجاری یا مالی به منظور آسیب زدن به حیات اقتصادی یک سرزمین<sup>۲</sup>»

تحریم‌ها به دلیل نقض قواعد خاص یا برای جلوگیری از نقض یک قاعده که برای طرف تحریم کننده مهم است به کار می‌روند.

بنابراین تحریم‌های اقتصادی صرفاً در مقابل نقض یک قاعده خاص مورد استفاده قرار نمی‌گیرند بلکه همچنین می‌توانند به عنوان اقدامات پیشگیرانه به کار روند.

«کارت‌ریج و لوپز معتقدند که به نظر می رسد تحریم‌ها آزادانه و حتی همزمان بین جهان دیپلماسی پیشگیرانه و جهان دیپلماسی قهری در حرکت هستند.<sup>۳</sup>»

در مورد سودمندی تحریم‌های اقتصادی بحث‌های بسیاری صورت گرفته است . این بحث‌ها به وسیله ویلسون، رئیس جمهور اسبق آمریکا، در پاسخ به وحشت‌انگیزی جنگ جهانی اول شروع شد و تا امروز ادامه یافت . وی در سخنرانی خود در ایندیاناپولیس در ۱۹۱۹ گفت که «ملت تحریم شده ملتی است که نزدیک به تسلیم شدن قرار دارد . با کاربرد این راه حل اقتصادی، مسالمت آمیز، آرام و

1. Ella, ShaGAbut. Jeffrey, berejiKian."Deploying sanctions while protecting human rights: are humanitarian smart sanctions effective?" Journal of Human Rights. No 6. 2007.p59

2. Elias, Davidsson. "To words a definistion of Economic sanctions 11"  
[www.aldeilis.net/jus/edil.htm.2003.p1](http://www.aldeilis.net/jus/edil.htm.2003.p1). ۸۸/۸/۲۲.

3. Sofia, Heine Ellison. "the impact effectiveness of multilateral economic sanctions: A comparative study". International Journal of Human Rights.Vol5.NO 1.2001.p83.

مرگبار هیچ نیازی به استفاده از زور نخواهد بود . آن یک راه حل وحشتناک است . تحریم برای اشخاصی که خارج از ملت تحریم شده قرار دارند هزینه ای ندارد اما روی ملت تحریم شده فشار می آورد، فشاری که به نظر من هیچ ملت امروزی قادر به تحمل آن نیست . هزینه مالی تحریم ها برای کشور تحریم کننده پایین است چون بدین وسیله از هزینه بالای جنگ اجتناب می نماید<sup>۱</sup> .

تحریم های اقتصادی اهداف سیاست خارجی چ ندگانه ای دارد، که از جمله آنها می توان به اهداف اولیه و ثانویه اشاره کرد . اهداف اولیه، اهدافی است که ظاهراً انگیزه تحریم کنندگان از اعمال تحریم ها رسیدن به آنهاست و آشکارا به عنوان دلیل ایجاد تحریم ها اعلام می گردند و اهداف ثانویه انگیزه اصلی تحریم کنندگان از اعمال تحریم است که معمولاً بر دیگران پوشیده می باشد. گر چه اهدافی که آشکارا اعلام می گردد ممکن است از طریق تحریم ها قابل حصول نباشد، اما اغلب اهداف ثانوی وجود دارد که به وسیله تحریم ها به خوبی می توان به آنها جامه عمل پوشاند.

برای مثال ممکن است یک امبارگوی تجاری علیه یک ملت به منظور فقیر کردن آن و چپاول منابع طبیعی و نیروی کار آن از طریق شرکت های چند ملیتی یا صرفاً برای جلوگیری از تفوق اقتصادی آن تحمیل گردد اما هدف اعلام شده آن بهبود سابقه حقوق بشری رژیم عنوان شود.

مارگارت دوکسی اهداف سیاست تحریم ها را به ۸ دسته تقسیم می نماید:

بازداری، تبعیت<sup>۲</sup>، مجازات، بی ثبات سازی، محدود سازی مخاصمات، وحدت، نماد گرایی و

علامت دهی. گر چه چون رژیم های تحریمی اغلب اهداف چند گانه دارند، گروه هایی از اهداف سیاسی ممکن است با یکدیگر تداخل نمایند . به علاوه اهداف ممکن است در طول رژیم تحریم تغییر کنند. بازداری به باز داشتن کشور هدف از ارتکاب اعمال خلاف قانون بیشتر و یا کشورهای ثالث از ارتکاب اعمال مشابه اشاره می نماید. عقیده کلی آنست که کشور تحریم کننده می تواند از سیاست های ناخوشایند آینده با افزایش هزینه های آن جلوگیری کند. شایان ذکر است که در بسیاری از موارد، مثلاً تحریم های آمریکا علیه اتحاد شوروی به خاطر افغانستان در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱، تعیین اینکه آیا تحریم ها به طور مؤثر از عمل شنیع آینده بازداری نموده است دشوار می باشد . در زمان گورباچف سیاست های داخلی و خارجی شوروی به طور چشمگیر تغییر کرد، اما باور آنکه تحریم های آمریکا بیش از یک اثر حاشیه ای در این تغییر تاریخی داشته است دشوار می باشد.

تبعیت در پی تحمیل درد بر کشور هدف و بدین طریق مجبور نمودن آن به تغییر س

می باشد.

1. Gary Clyde, HufBauer and others. Economic sanctions reconsidered: history and policy. Washington (DC). Institute for international economics. 2008.p1.

2. Compliance

تبعیت ممکن است شامل اهدافی مانند بهبود حقوق بشر و یا تغییر سیاست های کشور هدف باشد.

مجازات تحمیل هزینه به خاطر عمل خلاف بین المللی است. مجازات تنها هنگامی توجیه پذیر است که متخلف همان کسی است که مجازات می شود.

بی ثبات سازی در میان رژیمهای تحریم یک هدف مشترک است. آن ممکن است شامل تلاش برای کاهش قدرت نظامی کشور هدف، یا توانمند سازی جمعیت کشور هدف برای واژگون سازی کسانی که قدرت را در دست دارند و یا حداقل ایجاد یک خلاء قدرت، برای اینکه نیروهای مخالف بتوانند بر فرایند تصمیم سازی اثر بگذارند و یا انتخابات جدیدی صورت پذیرد، باشد.

بعید است که شورای امنیت آشکارا هدف خود را براندازی رژیم های خود کامه اعلام نماید (گرچه این امر در مورد هائیتی و آفریقای جنوبی صورت گرفت) در عوض امروزه محدود سازی مخصصات به ویژه در مخصصات داخلی اغلب به عنوان یک هدف تصریح می گردد. رژیم های تحریمی همچنین می توانند به عنوان راهی برای نشان دادن انسجام متحدان و دیگر اعضا جامعه بین المللی به کار روند.

نماد گرایی و علامت دهی نیز به اقداماتی اشاره می نماید که یک هدف ابزاری مهم ندارند. بلکه بیشتر نشان دهنده مخالفت با یک رفتار خاص هستند. «گوردون توصیه می نماید که نماد گرایی و علامت دهی مشکلات جدی اخلاقی ایجاد می نماید، به ویژه اگر تحریم ها اثرات شدیدی روی جمعیت غیر نظامی داشته باشند. در واقع در این شیوه رنج انسانی صرفاً ابزاری برای ارتباط می گردد، به علاوه با پیام دهی و نماد گرایی ارزیابی اثر بخشی تحریم ها دشوار است.<sup>۱</sup> پس از ارائه تعریفی از تحریم ها و بیان اهداف کشورهای تحریم کننده باید ببینیم که اصولاً کشورهای تحریم کننده از تحمیل آن چه انگیزه هایی دارند و چرا اقدام به تحمیل تحریم ها می نمایند؟

## الف) انگیزه کشورهای تحریم کننده

چنانکه گفت شد تحریم ها بخشی از دیپلماسی بین المللی و ابزاری برای مجبور کردن دولتهای هدف به یک پاسخ ویژه می باشند. «در اغلب مواردی که تحریم های اقتصادی مورد استفاده قرار می گیرد فرض بر این است که کشورهای تحریم کننده تمایل دارند بدون اینکه مستقیماً به نیروی نظامی متوسل گردند در فرایند تصمیم سازی دولت مستقل دیگری دخالت کنند. به طور کلی قدرتهای بزرگ به دقت تحریم ها را مورد استفاده قرار داده اند، چون آنها بزرگ هستند و می توانند رویدادهای جهانی را تحت تأثیر قرار دهند. نمونه هایی چون تحریم های ملت های متفق علیه ایتالیا در ۱۹۳۶-۱۹۳۵،

1. Sofia: Heine Ellisson.Opcit.P85.

آمریکا علیه رودزیا از ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۹، متفقین علیه آلمان و ژاپن در جنگ جهانی دوم و آمریکا علیه عراق در ۱۹۹۰، در حقیقت وقایعی هستند که قدرتهای بزرگ از متحدان کوچکتر خود بهره گرفته‌اند.<sup>۱</sup>»

به نظر می‌رسد تحریم‌ها اغلب اعمال می‌گردند چون هزینه عدم اعمال آنها از هزینه اعمال آنها بیشتر است. در حقیقت جامعه بین‌المللی اغلب چنین اقدامی را برای نشان دادن عمل شنیع اخلاقی انتظار دارد. اثر چنین عوامل اخلاقی و روانشناختی در تحمیل تحریم‌ها نباید کم پنداشته شود، هر چند اثبات آن سخت و سنجش آن غیر ممکن است.

«در مجموع تحریم‌ها یک پیام سه بخشی را می‌رساند. برای کشور هدف بیان می‌کند که تحریم‌کننده اقدامات او را نادیده نمی‌گیرد، برای متحدان کشور هدف بیان می‌کند که گفتارشان با کردارشان تایید خواهد شد و برای پیام گیران داخلی بیان می‌کند که دولت تحریم‌کننده برای حفاظت از منافع حیاتی ملی اقدام خواهد کرد.

بدون تردید انگیزه‌های تحریم و سه هدف بنیادی حقوق جزا با هم مشابه است و هدف اصلی هر دو مجازات، بازداری و توانبخشی می‌باشد. گرچه کشور تحریم‌کننده مانند کشوری که تبهکاران را زندانی می‌کند ممکن است به آرمان خود برای توانبخشی مجرم دست نیابد.<sup>۲</sup>»

به نظر می‌رسد که استفاده از تحریم‌ها به عنوان ابزاری مسالمت آمیز برای مداخله در فرآیند تصمیم‌سازی یک دولت مستقل دیگر که هنجارها و قواعد بین‌المللی را نقض می‌نماید به مثابه یک شرناگیر و در واقع انتخابی میان بد و بدتر است زیرا از یک سو تحمیل مضمی قه اقتصادی بر کشورها مطلوب نیست و از سوی دیگر برای اجتناب از ایجاد هرج و مرج از نقض هنجاره ای بین‌المللی باید جلوگیری شود. از آنجا که بحث اصلی ما بررسی تحریم‌ها از دیدگاه حقوق بین‌المللی بشر است به نظر می‌رسد بررسی تاریخچه تحریم‌ها پس از جنگ سرد و آشنایی با روند تکوین این ابزار سیاست بین‌المللی در طول زمان، ما را در ارزیابی میزان انطباقی آن با حقوق بشر و بشردوستانه بین‌المللی یاری خواهد کرد.

## ب) تحریم‌ها پس از جنگ سرد

تحریم‌ها ابزار مهمی برای ترویج صلح و امنیت بین‌المللی هستند. تحریم یک واکنش غیر از کاربرد زور را برای شورای امنیت در جهت پاسخ به نقض‌های صلح و امنیت بین‌المللی فراهم می‌کند. آنها به شورا اجازه می‌دهند که از دیپلماسی و هشدار سنتی فراتر رود. تحریم‌ها بر طبق نظر والنستون پاسخی بین‌کلام و جنگ هستند. با پایان یافتن جنگ سرد شورای امنیت یک دوره جدید را

1. Gary Clyde, HufBauer and others. Opcit. P 5.  
2. I bid. P 7.

در استفاده از اقدامات اقتصادی قهری دسته جمعی به عنوان ابزاری در جهت واکنش به نقض قواعد بین‌المللی آغاز کرد. الگوی جدید تحریم نه تنها خود را به وسیله فراوانی اعمال تحریم‌ها بلکه همچنین از طریق گستردگی اهدافی که دنبال می‌کرد از الگوی قدیم تحریم متمایز ساخت.

«درباره گسترش استفاده از تحریم‌ها در دوران پس از جنگ سرد سه دلیل بیان شده است . اول، اشتیاق جامعه بین‌المللی برای ورود به موضوعاتی که قبلاً ورود به آنها ممنوع بود . تحریم‌ها شاخص دیگری هستند برای نشان دادن اینکه حاکمیت قدوسی نیست.

دوم مفهوم امنیت ، گسترش پیدا کرد و افزون بر تهدیدهای نظامی موضوعات اقتصادی، اجتماعی، محیط زیست و به ویژه بشر دوستانه را نیز دربر گرفت. این گسترش با گزارش ۱۹۹۲ پیئوس غالی (برنامه کاری برای صلح) که در آن به اختیار ویژه شورای امنیت که تهدیدهای غیر نظامی برای امنیت را نیز در بر می‌گرفت، واکنش مثبت نشان داده شده بود، رسمی شد.

سومین و احتمالاً مهمترین علت اینکه کشورها به ندرت تمایل دارند هزینه های شدید مداخله را پردازند. در حقیقت تحریم‌ها به ابزار بسیار ارزان اجرای سیاست خارجی تبدیل شده اند. عملکرد ملل متحد در یوگسلاوی سابق نشان داد که بی‌جرأتی جمعی و نه امنیت دسته جمعی رایج است.

بازداری یک اصطلاح دلپسند جدید در گفتمان سیاست عمومی است که هنگامیکه با نسل‌کشی در رواندا روبرو گفیدید با بی‌تفاوتی و ناکارایی توأم شد . تحریم‌ها زمانی ایده‌آل هستند که دولت‌ها تا زمانی که تحریم‌ها به سرانجام برسد منافع حیاتی خود را مورد ملاحظه قرار ندهند . تحریم‌های غیر قهری این امکان را به سیاستمداران می‌دهد که چیزی انجام دهند و تعهدات اخلاقی کم ارزش تقبل کنند اما از تعهدات خطر اجتناب نمایند<sup>۱</sup>.

«تعداد تحریم‌های تحمیل شده در دهه ۱۹۹۰ در مقایسه با دهه ۱۹۸۰ دو برابر شد. در طول جنگ سرد، شورای امنیت تحریم‌های اجباری را تنها دوبار در مورد رودزیای جنوبی و آفریقای جنوبی تحمیل نمود. پس از جنگ سرد ۱۷ مورد دیگر، تحت فصل ۷ منشور، به تحریم‌های ملل متحد اضافه شده است که از آن جمله می‌توان به تحریم عراق، یوگسلاوی، سومالی، لیبی، لیبیا، هائیتی، یونیتا (آنگولا)، رواندا، سودان، سیرالئون، افغانستان (طالبان و القاعده)، ارتش و ات‌ی‌پی، و جمهوری دموکراتیک کنگو اشاره کرد.

اغلب این تحریم‌ها در ارتباط با مخاصمات مسلحانه مداوم یا تهدید به مخاصمه تحمیل شده‌اند.

۱۴ مورد از تحریم‌های ملل متحد یعنی بیش از ۷۰٪ همه رژیم‌های تحریم، با جنگ‌های داخلی یا موضوعات حکومت و سرزمین سروکار داشته است.

1. Thomas, G wells. "sanctions a foreign policy tool: weighing humanitarian impulses". Journal of Peace Research. Vol36.No5.1999.p500

مواردی که با این دسته از موارد تناسب نداشتند در دو مورد وضعیت های بین کشوری کلاسیک (عراق علیه کویت، اریتره علیه ایتوبی) و در سه مورد انواع جدیدی از تهدیدها در ارتباط با موضوع تروریسم (لیبی، سودان، افغانستان) بودند.<sup>۱</sup>

این به معنای آنست که استفاده ملل متحد از تحریم‌ها دقیقاً از برنامه کار امنیت جهانی پس از پایان جنگ سرد پیروی می‌کرد، جایی که موضوعات مربوط به جنگ‌های داخلی و تروریسم اهمیت بیشتری به دست آورد در حالیکه در طول جنگ سرد از تحریم‌ها استفاده معنی دارتری صورت می‌گرفت، به این معنی که تحریم‌ها بیشتر به عنوان ابزاری برای ایجاد ارتباط مورد ملاحظه قرار می‌گرفت تا اینکه انتظار رود از طریق تحریم تغییرات سیاسی مهم حاصل آید.

«به جز حرکت آشکاری که در اراده سیاسی شورای امنیت برای افزایش توسل به اقدامات اقتصادی صورت گرفت (به ویژه در مقایسه با اقداماتی که طبیعت نظامی دارند)، شاید این اقدامات نشان دهنده طبیعت سیستم امنیت دسته جمعی ملل متحد یا حداقل نگرش‌هایی که در رابطه با آن وجود دارد بلشود. برای مثال ممکن است بیانگر یک سیستم جامع و پیشرفته باشد که قادر است به طور انعطاف پذیر به شرایطی که صلح بین المللی را تهدید می‌کند واکنش نشان دهد یا نشان دهنده ناخوشایندی عمومی توسل به نیروی نظامی چه از نظر سیاسی و بشر دوستانه و چه قابلیت پذیرش نسبی اقداماتی که شامل کشتار عمدی نمی‌شود، باشد.»

متعاقباً آن ممکن است از گرایشی کلی تر برای جستجوی بیشتر موضوعات امنیت ملی و بین المللی در اقتصاد، تا در مناسبات نظامی حکایت کند. منطق آشکار اجرا این تحریم‌ها بوسیله شورای امنیت آنست که توانایی آن را برای واکنش به بحرانهای بین المللی افزایش دهد.<sup>۲</sup>

در الگوی جدید تحریم بخش قابل ملاحظه ای از تلاش‌ها به دفع تجاوز، اعاده دموکراسی، محکوم نمودن نقض حقوق بشر و مجازات رژیم‌هایی که پناهگاه تروریست‌ها هستند و نیز مجازات جنایتکاران جنگی معطوف شده است و نیز علاوه بر کشورهای گروه‌هایی مانند خمر سرخ و یونیتا را نیز هدف قرار داده است.

«گزینش اهداف نیز پس از جنگ سرد تغییر نمود. در حالی که اتحاد شوروی و متحدان آن در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نه بار هدف تحریم غرب قرار گرفته بودند، در دهه ۱۹۹۰ تحریم‌های غرب علیه شوروی سابق به سرعت کاهش یافت اما کشورهای جدید شوروی سابق به وسیله روسیه در مع رض ۶ تحریم قرار گرفتند.»

1. Carina, Staibano, Peter, Wallenstein. International sanctions: between words and wars in the global system. London. Franck Cass. 2005. Pp31-35.

2. Mathew, Carven. "humanitarianism and the quest for smarter sanctions". European Journal of international law. Vol13.n1.200.p44.

دیگر تغییر قابل توجه تغیی‌ر جهت جغرافیایی در رخداد تحریم‌هاست. به طور خاص در موارد جدید ملت‌های آفریقا هدف تحریم قرار گرفته اند. این تغییر تمایل بیشتر اروپا و ملل متحد را برای اینکه علیه نزاع، کشتار جمعی و استبداد در آفریقا اقدام کند منعکس می‌نماید. این تغییر مکان تحریم‌ها از حیات خلوت آمریکا به حیات خلوت اروپا با استفاده از تحریم‌ها برای ترویج دموکراسی ارتباط داشت. اهداف تغییر رژیم و دموکراتیک سازی از یک چهارم موارد تحریم قبل از جنگ جهانی دوم به تقریباً نیمی از موارد در دهه ۱۹۹۰ افزایش یافت. به علاوه در حالی که موارد تغییر رژیم اغلب در نیمه نخست قرن و تقریباً از جنگ سرد با درگیری نظامی همراه بود، در دهه ۱۹۹۰، اصولاً قدرت‌های غربی به وسیله تحریم درگیر ترویج دموکراسی در کشورها شده بودند.<sup>۱</sup>

در همان زمان اقتصاد بین‌المللی به طور فزاینده ای یکپارچه شد و تجارت بین‌المللی و جریان‌های سرمایه (اقتصاد بین‌المللی) از تولید جهانی پیشی گرفت. این یک شمشیر دو لبه برای تحریم‌های اقتصادی بود زیرا با این وابستگی متقابل آسیب‌پذیری بالقوه در برابر قطع جریان‌های اقتصادی افزایش یافت در حالی که فرصت‌ها برای گریز از تحریم‌ها نیز افزایش پیدا کرد. همچنین در این دوره از تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا کاسته شد «تقریباً ۶۰ مورد جدید از تحریم‌ها در دهه ۱۹۹۰ ثبت شده است که ۴۲ مورد آن توسط آمریکا و معمولاً در همکاری با کشورهای دیگر صورت گرفته است. به عبارت بهتر در کمتر از یک سوم موارد آمریکا به صورت یک‌جانبه پیشقدم شد.<sup>۲</sup>»

به طور کلی می‌توان گفت که پس از جنگ سرد از اقدامات یک‌جانبه کشورها به ویژه کشورهای قوی‌تر که اغلب در راستای تأمین منافع ملی صورت می‌گرفت کاسته شد و گرایش به سوی توسل به یک سیستم امنیت دسته‌جمعی که در راستای تأمین منافع جامعه بین‌المللی با ابزارهایی انعطاف‌پذیر مانند تحریم مسئولیت حفظ صلح و امنیت دسته‌جمعی را بر عهده گیرد شکل گرفت. به واسطه بیزاری عمومی که از توسل به نیروی نظامی وجود داشت، گرایش شورای امنیت به اعمال تحریم به عنوان آلترناتیوی مناسب برای جنگ و راه‌حلی میانه بین مذاکره و جنگ بیشتر گردید و در این راستا دامنه اهدافی که شورا به واسطه آن به تحمیل تحریم می‌پرداخت گسترده‌تر شد و موضوعاتی چون حقوق بشر و تروریسم را نیز در بر گرفت. حتی شورا پا را از این هم فراتر گذاشت و موجودیت‌هایی غیر از کشورها مانند خم‌سرخ و یونتی‌را نیز هدف تحریم قرار داد اما به نظر نگارنده برداشت شورای امنیت از تحریم اقتصادی موضوع ماده ۴۱ منشور، متأثر از اوضاع و احوال پس از جنگ سرد و بیشتر مشابه سنت محاصره قرون وسطایی بود که این طرز تفکر کاملاً در نظریه سنتی تحریم‌ها که پس از این مورد بحث قرار خواهد گرفت نمایان است.

1. garry Clyed, Haf Bauer and others. Opcit.p131  
 1. carina, staibano. Peter, Wallenstein.Opcit.p4.



شاید جامعه بین‌المللی در آن زمان نمی‌دانست که تحریم‌های اقتصادی فراگیر بدون توجه به مفاهیم اصیل حقوق بشر و بشر دوستانه تفاوت چندانی با جنگ نخواهد داشت. با توجه به آنچه گفته شد، حال نوبت آن است که ببینیم اصولاً آیا در نظریه سنتی تحریم‌ها، که پایه و اساس تحمیل تحریم‌ها به شمار می‌رود، جایی برای حقوق بشر و بشر دوستانه بین‌المللی وجود دارد؟

### ج) نظریه سنتی تحریم‌ها

در حالی که ممکن است دانشمندان و سیاستمداران در مورد مطلوبیت، اثربخشی، مشروعیت و اخلاقی بودن تحریم‌های اقتصادی تردید داشته باشند، هیچ تردیدی وجود ندارد که جدا از هدف نهایی تحریم‌های اقتصادی، هدف فوری آنها ایجاد مضیقه اقتصادی در کشور هدف می‌باشد. نظریه سنتی تحریم‌ها بر آنست که مضیقه اقتصادی مستقیماً با تغییر سیاسی ارتباط دارد و چنانچه رنج بیشتری بوسیله تحریم‌ها ایجاد گردد احتمال تبعیت سیاسی افزایش می‌یابد بدیهی است که محرومیت ناشی از این تحریم‌ها بوسیله افراد انسانی تجربه می‌گردد، زیرا نه ادعای جمعی و انتزاعی مانند دولت و کشور نمی‌توانند رنج یا لطمه ناشی از تحریم‌ها را تجربه کنند. بنابراین رنج افراد یک اثر اجتناب‌ناپذیر و قابل پیش‌بینی تحریم‌های اقتصادی است حتی اگر طرف‌های تحریم‌کننده ترجیح دهند چشم خود را به روی پیامدهای خاص ناشی از اقدامشان ببندند. طرف‌های تحریم‌کننده معمولاً ادعا می‌کنند که آنها کشور را هدف قرار داده‌اند نه ساکنان آن را. اما آنها با هدف قرار دادن کشور عمدتاً به توانایی آن برای تضمین حقوق بنیادین ساکنان خود لطمه می‌زنند. براساس رابطه علیت، آنها علت اولیه پیامدهای مضر هستند که از تحریم‌ها ناشی می‌شود.

با تأکید بر هدف آسیب‌رسانی در تحریم‌ها هانس پیتر گسر از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ می‌نویسد: «تنها صحبت کردن در مورد اثرات جنبی تاسف‌بار تحریم‌ها در بررسی اثر منفی شدید و دیرپای آنها بر اجتماع غیر نظامی ناکافی است، کسانی که تحریم‌ها را تحمیل می‌نمایند قصد ایجاد چنین اثرات منفی بر روی جمعیت غیر نظامی را داشته‌اند.»

هنگامی که تحریم‌های اقتصادی با هدف اعلام شده دفع اشغال نظامی، وادار نمودن یک دولت به رعایت حقوق بشر یا وادار نمودن آن به تغییر سیاست تحمیل می‌گردند، آنها اقدامات قهری را تشکیل می‌دهند. قهر مستلزم تحمیل فشار است. این فشار به شکل ایجاد کمبودهای شدید در کشور صورت می‌گیرد. انتظار می‌رود هنگامی که این محرومیت به یک آستانه غیر قابل تحمل برسد، مردم به پا خیزند و خواستار تبعیت دولت از تقاضاهای خارجی گردند. بنابراین فلاکت و بدبختی مردم ویژگی مهم و ضروری تحریم‌های اقتصادی قهری می‌باشد. تحریم‌های اقتصادی از رنج غیر نظامیان به عنوان یک ابزار استفاده می‌کند. «جان گالتونگ به درستی این را نظریه ساده لوحانه تحریم‌ها می‌

نامد به خاطر آنکه از در نظر گرفتن تلاشهای کشور هدف برای سازگاری یا مقابله با اثر تحریمها  
قصور می‌ورزد.<sup>۱</sup>»

دیدگاه سنتی بر آنست که جمعیت کشور هدف رنج تحریمها را از جانب رهبران سیاسی  
دانسته و آنها را وادار به تغییر سیاست خواهد نمود، اما تا به حال این مسأله به ندرت مصداق یافته است.  
«چنانکه دیوید بالدوین و دیگر دانشمندان اظهار داشته اند اثرات اقتصادی تحریمها لزوماً به اثر سیاسی  
منتهی نمی‌گردد.<sup>۲</sup>»

هیچ مکانیسم مستقیمی وجود ندارد که رنج اجتماعی موجب تغییر سیاسی شود. این مورد  
حتی در دموکراتیک‌ترین کشورها و به ویژه رژیم‌های استبدادی که هدف معمول تحریمها هستند،  
وجود دارد. در درون کشور هدف هنگامی که واکنش غیر نظامیان به تحریمها مورد قضاوت قرار  
می‌گیرد سه متغیر مطرح است اولین آن دوره ای است که طول می‌کشد مردم دست از پشتیبانی  
حکومت بردارند. در رژیم‌های غیر دموکراتیک هیچ راهی که از طریق آن فشار بر غیر نظامیان بتواند  
به آسانی به سود سیاسی تبدیل شود وجود ندارد. تحریمهای اقتصادی ممکن است به وسیله ایجاد اثر  
گردآمدن دور پرچم موجب تقویت رژیم هدف گردند. ممکن است تحریمها بیش از آنکه موجب از  
هم گسیختگی سیاسی شوند، احساسات میهن پرستانه را تحریک نمایند و استبداد بیشتری در کشور  
ایجاد کنند. دولت هدف به ویژه اگر رسانه‌های گروهی را تحت کنترل داشته باشد، شهروندان خود را  
به سوی متحد شدن تحت لوای آن برای مقاومت در برابر کشورهای خارجی سوق خواهد داد و بدین  
ترتیب از احساس بدبختی مردم برای تقویت حمایت سیاسی از خود استفاده خواهد کرد.

دومین متغیر داخلی مربوط است به این که آیا تحریمها به دولت هدف امکان می‌دهد که از  
طرف تحریم‌کننده به عنوان یک سپر بلا استفاده کند و نیز با واگذار کردن منابعی که می‌ترسد در  
خطر قرار بگیرند به حمایت کنندگان فاسد خود پاداش دهد. با گسترش رنج در میان غیر نظامیان گروه  
حاکم می‌تواند ادعا نماید که بیگانگان مسئول فلاکت وحشتناکی هستند که گریبان گیر غیر نظامیان  
گردیده است. به این ترتیب رژیم هدف بر ضعف‌های خود سرپوش می‌گذارد و یک سپر بلای  
مناسب برای فلاکت اجتماعی که در غیر این صورت می‌توانست به دولت موجود مرتبط شود پیدا  
می‌کند.

برای مثال تحریم به عنوان یک ابزار سیاست خارجی موج ب تقویت جایگاه کوبا شد و  
بهانه‌ای به دست این رژیم داد تا شکست‌های نظام سوسیالیستی خود را در داخل توجیه کند. در برخی  
موارد ممکن است تحریمها نخبگان حاکم را قادر سازد که به وسیله سازماندهی و سود بردن از قاچاق

1. George A, Lopez. David, Cortright. "Economic Sanctions and human rights part of the  
problem or part of the solution?" The International Journal of Human Rights, Vol 16. No 2,  
summer 1997. P 9.

2. I bid. P 3.

و فعالیت های تجاری غیر قانونی به تحریم ها واکنش نشان دهند. در هائیتی منتقدان معتقد بودند که نخبگان نظامی و تجاری نزدیک به رژیم رائل سدراس کنترل بازار سیاه نفت و دیگر کالاهای اساسی را در دست داشتند. در یوگسلاوی سابق گروه های شبه نظامی افراط گرا از کنترل خود بر ایستگاه های مرزی و راه های حمل و نقل برای ثروتمند ساختن خود و ت حکیم قدرت سیاسی خویش استفاده می کردند. غالباً وجود مقداری نقض در رژیم تحریمی اجتناب ناپذیر است چون کمبودها و افزایش قیمت ها فرصت مناسب را برای افراد سودجو فراهم می نماید، اما هنگامی که این فعالیت ها در مقیاس گسترده صورت گیرد و نخبگان سیاسی که هدف تحریم قرار گرفته اند بر آن تسلط یابند اهداف سیاسی اغلب آسیب می بینند.

سومین متغیر به ایجاد گوناگونی داخلی در نتیجه اعمال تحریم ها مربوط است. تحریم ها می توانند موجب اثر مخالفت داخلی گردند. ممکن است تحریم ها نیروهای سیاسی داخلی را توانمند سازند تا مخالفشان را به صورت مؤثرتر در مورد سیاست های ناخوشایند رژیم ابراز نمایند. اگر کشور هدف دارای یک جناح مخالف داخلی در برابر سیاست های دولت حاکم باشد، تحریم ها می توانند این مخالفت را تقویت نمایند و احتمال پاسخ سیاسی مثبت به تحریم ها را بهبود بخشند. در مورد آفریقای جنوبی، مخالفت کنگره ملی آفریقا تحریم های بین المللی شدیدتر را ترغیب نمود و به واسطه وحدت، حمایت سیاسی و اخلاقی جامعه بین المللی را به دست آورد. تحریم های خارجی با مبارزات داخلی جبهه دموکراتیک برای ایجاد آشفستگی سیاسی و بی ثباتی اقتصادی همراه گردید، که در اواسط دهه ۱۹۸۰ موجب شد سرمایه گذاران خارجی از دادن اعتبار طولانی مدت به این کشور خودداری نمایند. این مسأله موجب شد تا بخشهایی از جامعه سفید پوست برای تغییر سیستم تبعیض نژادی اعمال نفوذ نمایند و به گفتگوی فوری با نلسون ماندلا روی آورند.

حتی هنگامی که گروه های اصلاح طلب داخلی عوامل مؤثری برای ایجاد تغییر سیاسی مطلوب به شمار نمی روند، تحریم ها ممکن است به تقویت روحیه و مشروعیت سیاسی آنها و نیز افزایش توانایی آنها برای رهبری دوره انتقال کمک نماید.

اثر مخالفت داخلی اساساً به مقدار حمایتی که از تحریم ها در داخل رژیم هدف صورت می گیرد بستگی دارد. هنگامی که سازمان های مدنی معتبر و جنبش های حقوق بشری در داخل رژیم هدف از تحریم های بین المللی حمایت نمایند، مشروعیت اخلاقی و احتمالاً اثر بخشی سیاسی آنها افزایش می یابد. « کمیته خدمات دوستانه آمریکا در مطالعه ۱۹۹۳ خود تحت عنوان دلار یا بمب اظهار داشت که تحریم ها از نظر اخلاقی موجه هستند چنانچه حمایت قابل توجهی از آنها در داخل کشور هدف، وجود داشته باشد.<sup>۱</sup>»

1. I bid. P 11.

«دامروسچ نکته مشابهی را در مورد اهمیت مخالفت داخلی هم در مورد آفریقای جنوبی و هم در مورد رودزیا مورد توجه قرار می دهد . مطابق با نظر دامروسچ هنگامی که صداهای مخالف به صورت منطقی خواهان تحریم‌ها به عنوان یک استراتژی برای ایجاد دگرگونی می گردد باید برای آن تقاضا اهمیت زیادی قائل شد.»<sup>۱</sup>

«به طوری که مفسران خاطر نشان نموده اند در طولانی مدت مشارکت دموکراتیک، نهادهای مستقل و طبقه متوسط به واسطه تحریم‌ها تضعیف می شوند و به عنوان یک مختل کننده اجتماعی جمعیت کمتر قادر است در مقابل دولت مقاومت نماید و امکان دموکراسی کاهش می یابد . تحریم‌ها افراط گرایی رهبران سیاسی را تشدید می کنند و موجب افزایش کنترل دولت روی جمعیت های آزاد و محدود سازی فرصتها برای جستجوی پناهندگی یا مخالفت آشکار سیاسی می شوند. دولت می تواند از تحریم‌ها به عنوان دستاویزی برای نابود کردن مخالفان سیاسی داخلی خود استفاده نماید.»<sup>۲</sup>

تحریم‌ها می توانند نقض های حقوق بشری که جامعه بین المللی در صدد حداقل کردن آن است بیشتر نمایند و همچنین کشورهای ثالث را تحت تأثیر قرار دهند. به علاوه سابقه نشان می دهد که تحریم‌ها تقریباً هرگز به طور کامل به اهداف خود نرسیده اند و اینکه آنها اغلب شکست خورده، روی رفتار دولت هدف اثر اندکی داشته و یا اینکه هیچ اثر قابل ارزیابی نداشته اند . در حقیقت منتقدان به طور مؤثر استدلال می کنند که شواهد اندکی وجود دارد که تحریم‌ها بتوانند به اهداف جاه طلبانه سیاست خارجی جامه عمل ببوشانند . همچنین تحریم‌ها اغلب مستلزم آسیب به غیر نظامیان هستند که این خود هر موفقیت سیاسی بالقوه‌ای را تحت لثثیر قرار می دهد. نگرانی در مورد پیامدهای بشر دوستانه همواره بخشی از بحث تحریم‌ها بوده است اما چون تعداد رژیم های تحریمی افزایش یافته این بحث داغ تر شده است.

در ۱۹۹۲ کمیسیون عالی پناهندگان ملل متحد خانم سادا کو آگاتا در یکی از جلسات یونیسف اظهار داشت که تحریم‌ها باید به کار گرفته شوند بدون اینکه مردم محروم محروم تر گردند. پتروس عالی در گزارش ۱۹۹۵ خود تحت عنوان ضمیمه ای برای دستور کاری بر ای صلح بسیاری از این نگرانی‌ها را مطرح ساخت . دبیر کل اظهار داشت یک رژیم تحریمی ابزار کندی است که گروه های آسیب پذیر را به رنج می اندازد، کارگروه های بشر دوستانه را دشوار می نماید، موجب آسیب طولانی مدت به ظرفیت تولید کشور هدف می گردد و اثرات شدیدی برای کشورهای همسایه ایجاد می کند. کوفی عنان متذکر می شود نمی توان تاکید کرد که تحریم‌ها یک ابزار اجرا قواعد بین المللی و مانند دیگر شیوه‌ها هستند، آنها به هدف آسیب خواهند رساند.

1. I bid. P 11.

2. The adverse consequence of Economic sanctions on enjoyment of human rights working paper prepared by marc Bossuyt. E/CN.4/sub.2/2000/33.21 june 2000.